

تبیین نقش حقوق بشر در روابط ایران و اتحادیه اروپا در ۱۳۷۶-۱۳۹۲

دکتر علی امیدی^۱، فاطمه خدری^۲

چکیده

در عصر کنونی حقوق بشر به یکی از جدی‌ترین مباحث بین‌المللی بدل شده است و در سیاست خارجی و تعاملات دوجانبه و چندجانبه کشورها اهمیت ویژه‌ای یافته است؛ به طوری که امروزه هیچ کشوری نمی‌تواند هنجارهای حقوق بشری را انکار نماید. با نهادینه شدن حقوق بشر در سیاست بین‌الملل، هنجارهای مربوطه جزئی جدایی‌ناپذیر از سیاست بین‌دولت‌ها و جوامع شده‌اند و بر کیفیت و کمیت روابط خارجی تأثیر می‌گذارند. روابط ایران و اتحادیه اروپا نیز متأثر از هنجار حقوق بشری است. حقوق بشر یکی از موضوعات اساسی در روابط بین ایران و اتحادیه اروپا محسوب می‌گردد. موضوع حقوق بشر، همواره یکی از چالشی‌ترین و بحث‌برانگیزترین موضوعات در روابط جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپایی بوده است و فرازونشیب‌های متعددی در آن قابل مشاهده است. به طور سنتی کشورهای اروپایی غربی به عنوان خاستگاه تاریخی تمدن غربی تلاش می‌نمایند تا حقوق بشر را به عنوان یکی از ارمان‌های اومانیسیم دانسته و خود را بانی معیارها و ارزش‌های اومانستی این تمدن معرفی نمایند.

در واقع طی سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، رفتار کشورهای عضو اتحادیه اروپایی با موضوع حقوق بشر در ایران شاهد فراز و نشیب‌هایی بوده است، به گونه‌ای که در برخی از مقاطع، اروپایی‌ها بانی تدوین و تصویب قطعنامه‌های شدیدالحن حقوق بشری بر علیه جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل متحد بوده‌اند و در برخی از مقاطع نیز رفتار ملایم‌تری از خود نشان داده‌اند. این پژوهش در چهارچوب نظریه سازه‌انگاری، سعی در پاسخ دادن به این سوالات است آیا ماهیت متفاوت حقوق بشر در روابط ایران و اتحادیه اروپا اثر گذار است؟ و همچنین آیا استفاده ابزاری اتحادیه اروپا از حقوق بشر بر روابط ایران و اتحادیه اروپا تأثیر دارد؟ یافته‌های پژوهش که با روش توصیفی-تحلیلی به دست آمده است نشان می‌دهد هویت متفاوت که منجر به نگاه متفاوت به حقوق بشر می‌شود و همچنین استاندارد دوگانه اتحادیه اروپا در تخریب روابط ایران و اتحادیه اروپا در سال‌های ۱۳۷۶-۱۳۹۲ تأثیر داشته است.

واژه‌های کلیدی: حقوق بشر، اتحادیه اروپا، سازه‌انگاری، سیاست خارجی

(۱) دانشیار گروه روابط بین‌الملل دانشگاه اصفهان

(۲) دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه اصفهان

مقدمه

پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ شمسی (۱۹۷۹ میلادی) فصل تازه‌ای را در تاریخ ایران رقم زد. این واقعه مهم در همه ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تأثیرات شگرفی بر جای گذاشت. روابط خارجی و سیاست خارجی نیز از این قاعده مستثنی نبود. در واقع انقلاب اسلامی با ویژگی‌های منحصر به فرد خود سبب شد تا روابط خارجی ایران شکل جدیدی به خود بگیرد و در فضای جدید، سیاست خارجی بر اساس اصول و آرمان‌های انقلابی پی ریزی شود. کشورهای عضو جامعه اروپا بر خلاف دو بازیگر اصلی نظام بین‌المللی - آمریکا و شوروی - از امتیازاتی برای برقراری رابطه با جمهوری اسلامی ایران برخوردار بودند. اگر چه جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپایی به لحاظ فرهنگی، تمدنی و ارزشی، تفاوت‌های قابل توجهی داشتند، اما جایگاه و نقش دو طرف در نظام بین‌الملل، ضرورت‌هایی را برای برقراری یک رابطه تقویت شده، ایجاد می‌کرد.

روابط جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپایی در طی سال‌های پس از پیروزی انقلاب فراز و نشیب‌های بسیاری داشته و طیفی از موضوعات مختلف، از جمله حقوق بشر، خلع سلاح و تروریسم و برخی از مسائل منطقه‌ای را در بر گرفته است. موضوع حقوق بشر، همواره یکی از چالشی‌ترین و بحث‌برانگیزترین موضوعات در روابط جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپایی بوده است و فراز و نشیب‌های متعددی در آن قابل مشاهده است. به طور سنتی کشورهای اروپایی غربی به عنوان خاستگاه تاریخی تمدن غربی تلاش می‌نمایند تا حقوق بشر را به عنوان یکی از ارمان‌های اومانیزم دانسته و خود را بانی معیارها و ارزش‌های اومانستی این تمدن معرفی نمایند.

حقوق بشر یکی از محورهای تعیین کننده سیاست خارجی کشورهای عضو اتحادیه اروپا در قبال جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. نمی‌توان بدون دست یابی به نتیجه‌ای منطقی در این زمینه، انتظار پیشرفت در مسائل دیگر به ویژه روابط تجاری و اقتصادی را داشت در این بخش به تاریخچه روابط ایران و اتحادیه اروپا از منظر حقوق بشر در دو دوره ریاست جمهوری آقایان احمدی نژاد و خاتمی می‌پردازیم؛ سعی داریم به بررسی رفتار اتحادیه اروپا نسبت به تغییر گفتمان در ایران بپردازیم و بر اساس تئوری سازه انگاری به این سوال پاسخ دهیم که تفاوت گفتمان تغییری در رویکرد اتحادیه اروپا نسبت به ایران ایجاد می‌کند. در این بخش به تاریخچه روابط ایران و اتحادیه اروپا از منظر حقوق بشر در دو دوره ریاست جمهوری آقایان احمدی نژاد و خاتمی می‌پردازیم؛ که در ابتدا مبانی سیاست خارجی هر دوره را بررسی سپس متغیر حقوق بشر را در تأثیر گذاری در روابط هر دوره بررسی می‌نمائیم.

چهارچوب نظری

سیاست خارجی آن دسته از روابط را در بر می‌گیرد که حکومت‌ها متصدی آن باشند. به تعبیری دیگر، سیاست خارجی عبارت است از یک استراتژی یا یک رشته اعمال از پیش طرح‌ریزی شده توسط تصمیم‌گیرندگان حکومتی که مقصود آن دستیابی به اهدافی معین، در چهارچوب منافع ملی و در محیط بین‌الملل است به طور خلاصه سیاست خارجی شامل تعیین و اجرای یک سلسله اهداف و منافع ملی است که در صحنه بین‌المللی از سوی دولت‌ها انجام می‌پذیرد. سیاست خارجی می‌تواند ابتکار عمل یک دولت و یا واکنش آن در قبال کنش دیگر دولت‌ها باشد (خوشوقت، ۱۳۷۵: ۱۴۵).

در سال‌های اخیر و با توجه به گرایش فزاینده محققان سازه‌انگار به مطالعات تجربی و تاریخی، مشخص شده است که سازه‌انگاری از ظرفیت نظری قابل توجهی برای تحلیل سیاست خارجی برخوردار است. نقطه عزیمت نظریه سازه‌انگاره سیاست خارجی را نقد مفهوم انسان اقتصادی پیشینه جویی می‌دانند که در مرکز تحلیل واقع‌گرایانه و نئولیبرال از سیاست خارجی قرار دارد که مفاهیم، ارزش‌ها، افکار یا هنجارها را صرفاً ابزاری برای تأکید بر منافع مشخص و توجیه آن‌ها می‌دانند. همان‌گونه که گفته شد، از دید سازه‌انگاران، کنش‌های کنش‌گران را هنجارها هدایت می‌کنند، یعنی انتظارات بین‌الذاتانی مشترک و مبتنی بر ارزش‌ها در مورد رفتارها؛ در نتیجه کنش‌گران از دید آن‌ها انسان جامعه‌شناختی و ایفاکننده نقش است نه انسان اقتصادی؛ از این منظر تصمیم‌گیرندگان براساس هنجارها و قواعد که خود مبتنی بر پیشینه‌ای از عوامل ذهنی، تجربه تاریخی - فرهنگی و حضور در نهادهاست تصمیم‌گیری می‌کنند. هنجارها هستند که رفتار مناسب را تعیین می‌کنند و در نتیجه، کنش‌گران بر اساس منطق زیبندگی یا تناسب عمل می‌کنند؛ از این منظر، هنجارها تابع منافع کنش‌گران نیستند بلکه به این منافع شکل می‌دهند؛ به علاوه تأثیر آن‌ها در حد تحدید یا تشویق کنش نیست، بلکه تأثیری تکوینی است، یعنی اهداف کنش‌گران را مشروعیت می‌بخشند و در نتیجه آن‌ها را تعریف می‌کنند (هادیان، ۱۳۸۲: ۱۷).

در جامعه بین‌المللی سه دسته از هنجارها وجود دارد که بر سیاست خارجی کشورها تأثیر می‌گذارد:

- اول هنجارهای عام که انتظارات مبتنی بر ارزش یکسان را برای همه کشورها ایجاد می‌کند (مانند حقوق بین‌الملل عمومی، قوانین و قواعد سازمان‌های بین‌المللی و تصمیمات نهایی کنفرانس‌های بین‌المللی)؛

• دوم هنجارهای خاص که در مورد بعضی از کشورها به کار می‌رود و همه آن‌ها را شامل نمی‌شود (مثلاً رفتارهای شایع و رایج در سازمان و کنفرانس اسلامی)؛

• و سوم هنجارهایی که نقش‌های اجتماعی مختلفی را تعریف می‌کنند و به تبع آن انتظارات متفاوتی را برای کشورها ایجاد می‌کنند (مثلاً همکاری در زمینه توسعه، هنجارهای متفاوتی را برای کشورهای اعطا کننده و دریافت کننده وام ایجاد می‌کند). تأثیرگذاری هنجارهای بین‌المللی بر سیاست خارجی از طریق جامعه‌پذیری فراملی صورت می‌گیرد. بدین دلیل است که کشورها دل‌نگران و دل‌مشغول اعتبار و وجهه بین‌المللی خود، نه تنها به عنوان هم‌پیمانان و یا شرکای قابل اعتماد در مذاکره بلکه به عنوان اعضای دارای حسن شهرت بین‌المللی هستند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۶). به باور سازه‌انگاران بازیگران برحسب معانی ذهنی، زبان و برداشت‌های خود که برآمده از هویت آن‌هاست، دست به کنش و واکنش می‌زنند و در این تعامل، واقعیت را می‌سازند. نمود این امر در تحلیل سیاست خارجی یک کشور آن است که بازیگران (دولت‌ها) بر پایه هویت زمینه‌مند خود، جهان را برای خود می‌سازند و خودشان نیز در رابطه با آن ساخته می‌شوند و هویت آن‌ها دگرگون می‌شود؛ در اینجا کشورها یا بازیگران صحنه بین‌الملل تفسیر می‌کنند، تصمیم می‌گیرند، اعلام می‌کنند و سرانجام اجرا می‌کنند ولی آن‌ها این کارها را با درک خود از جهان انجام می‌دهند. پس در اینجا از دید سازه‌انگاران سیاست خارجی عمل بر ساخته شدن است؛ از این رو اسمیت تحت تأثیر ونت که گفته بود آناژشی ساخته دولت‌هاست می‌گوید سیاست خارجی آن چیزی است که دولت‌ها آن را می‌سازند (Smitt; 2002: 2).

هویت کنش‌گران به تعبیر سازه‌انگاری ساخته می‌شود؛ با این ساخت است که منافع ملی و همچنین کنش‌های کنش‌گران شکل می‌گیرد. از این منظر گفته می‌شود کنش‌گران، قائل به شکل اجتماعی بوده و هویت آن‌ها محصول ساختارهای اجتماعی بین‌الذهانی است. یکی از مهم‌ترین نتایج این توجه به هویت، احیای تفاوت میان دولت‌هاست؛ یعنی واحدهای سیاسی، عملاً در سیاست جهان در چهره بازیگران مختلفی جلوه گر می‌شوند (هوپیف، ۱۳۸۶: ۲۳).

بر همین اساس، اتحادیه اروپا از جمله بازیگرانی است که با توجه به نظریه سازه‌انگاری به بحث‌های هویتی تأکید زیادی می‌کند. هویت اتحادیه اروپا براساس ارزش‌هایی مانند حقوق بشر و دموکراسی ساخته شده است؛ دلیل عمده آن گسترش فرهنگ کانتی درون اروپا و ترویج فرهنگ لیبرال دموکراسی از طریق ساختارهای سیاسی متنوع است. استقرار نظام‌های جمهوری و دموکراتیک براساس آزادی فردی، حکومت قانون، برابری شهروندان در برابر قانون و به حاشیه رفتن توسل به خشونت، هویتی را برای اروپا به ارمغان آورده است که بیش از آنکه محصول تعاملات بین‌المللی باشد،

محصول و نتیجه تعاملات داخلی است. این هویت اجتماعی تا اندازه‌ای از شخصیت و ماهیت دموکراتیک ساختارهای داخلی نشئت می‌گیرد و به تعریف هویت جمعی از اروپاییان در عرصه بین‌المللی منجر می‌شود. بر اساس همین هویت نیز انتظارات خاصی از اروپا و اروپایی بودن می‌رود. همچنان که در عرصه داخلی کنش‌ها به وسیله رضایت شهروندان، عدالت اجتماعی، عدم توسل به خشونت، حل و فصل مسالمت آمیز و مصالحه جویانه سبزه‌های سیاسی مقید شده است، در عرصه بین‌المللی نیز از عوامل یاد شده تأثیر پذیرفته است (وهاب پور، ۱۳۸۴: ۱۰).

مبانی سیاست خارجی حجت الاسلام سید محمد خاتمی

حجت الاسلام سید محمد خاتمی در خرداد ۱۳۷۶ با آراء میلیونی ایرانیان به ریاست جمهوری رسیدند. پیروزی آقای خاتمی نوید بخش تحول درون جامعه و هم چنین در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بوده است.

خاتمی گفتمان جدید جامعه مدنی را با قرائتی متفاوت از غرب مطرح نمود. حجت الاسلام خاتمی جامعه مدنی اسلامی مد نظر خود را از نمونه غربی آن متمایز می‌سازد. از دید وی، جامعه مدنی غربی ریشه در مفهوم یونانی دولت شهر دارد، حال آنکه جامعه مدنی اسلامی زاده مفهوم مدینه النبی است. مقصود وی از این تمایز، برجسته ساختن تأکید جامعه مدنی اسلامی بر اخلاق و معنویت، و غفلت جامعه مدنی غربی از آن است؛ اما متفاوت بودن ریشه‌های تاریخی و فرهنگی این دو برداشت از جامعه مدنی لزوماً به معنی ناهمسازی آن‌ها در روزگار ما نیست (رمضانی، ۱۳۸۱: ۱۱۵)؛ در واقع ضرورت نگاه جدید به داخل و نظام بین‌الملل موجب روی کار آمدن تفکری تازه در سطح مدیریت کشور شد که با تکیه بر اصول و پای بندی به ارزش‌های اسلامی، مفاهیمی چون مدارا، همراهی، تساهل و تسامح را در تعاملات خود با سایر بازیگران توصیه می‌کرد. این جهت‌گیری جدید در عرصه سیاست‌گذاری خارجی تابع تحولات قابل توجه درونی و رشد گفتمان مدنیت و جامعه مدنی در داخل و نیز درک تحولات و دگرگونی‌های نظام بین‌المللی و به تبع آن فرایند جامعه مدنی جهانی و دنیای وابستگی متقابل در خارج بود (ابراهیم آبادی، ۱۳۸۳: ۸۱).

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در این دوران هم از لحاظ بیان و لحن و هم از لحاظ محتوا، با تحول اساسی روبه‌رو گردید زیرا جمهوری اسلامی ایران برای گریز از انزواء در عصر وابستگی متقابل، در سیاست خارجی خود میبایستی موضع همکاری جویانه‌ای با نظام بین‌الملل اتخاذ می‌کرد (اسدی، ۱۳۸۷: ۱۵۸)؛ در چنین شرایطی راهبرد اصلی سیاست خارجی دولت آقای خاتمی براساس تنش زدایی با کشورهای خارجی و اعتمادسازی در برخورد با آنان تعیین شد؛ در زمینه

سیاست خارجی ایشان ضمن توجه تام به اصول عزت، حکمت، مصلحت سیاست های تنش زدایی، اعتمادسازی، گفتگوی تمدن ها و بهبود و گسترش روابط سیاسی و اقتصادی ایران با کشورهای جهان و به ویژه منطقه خاورمیانه را مد نظر قرار داد. آقای خاتمی برنامه اصلاحات و مردم سالاری در داخل و صلح در خارج را دنبال نمود (امین زاده، ۱۳۸۰: ۹۰-۹۱).

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران اصلاحات بر اصول توسعه گرایی سیاسی و فرهنگی، تنش زدایی، اعتمادسازی، صلح گرایی و چندجانبه گرایی گفتمانی استوار بود که در ذیل به توضیح آن ها می پردازیم:

توسعه گرایی سیاسی (گفت و گوی تمدن ها)

نقطه عطف روند سیاست خارجی در حال تحول و دگرگونی ایران، طرح گفت و گوی تمدن ها بود، که پس از مطرح شدن به شدت مورد استقبال کشورهای جهان و مجامع علمی و فرهنگی بین المللی قرار گرفت. طرح ایده گفتگوی تمدن ها از سوی ریاست جمهوری ایران به معنای پذیرش هنجارهای بین المللی و تلاش برای سهیم شدن در فرایند هنجارسازی بود (Maleki, 2003: 26). گفت و گوی تمدن ها را می توان مناظره عمومی در سطح بین المللی دانست. پیش فرض آن وجود یک سپهر عمومی حداقل جنینی در سطح بین المللی است که گفت و گوی میان طرف های مختلف می تواند در درون آن شکل گیرد. فرض بر آن است که شرکت در گفت و گو برای همگان آزاد است و گفت و گو می تواند حول هر موضوعی مورد توجه عموم قرار گیرد. فرض دیگر آن است که این گفت و گو می تواند راه را برای فهم متقابل بگشاید و حتی به توافقی مبتنی بر اجتماع منتهی گردد. به گفته تاجیک گفت و گوی تمدن ها مبتنی بر خرد و اخلاق ارتباطی است عقلانیتی که بر فهم بین الاذهانی و حق بشر نسبت به انتخاب آزاد تأکید دارد، عقلانیتی که نوید جامعه ای فارغ از سلطه، ناامنی و بی اعتمادی می دهد (مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۴۷).

تنش زدایی

آقای خاتمی، سیاست تنش زدایی خود را در چهارچوب عزت، حکمت و مصلحت مطرح کرد؛ به این معنی که ایران در سیاست خارجی خود درصدد بود سوء تفاهم انباشته از گذشته را برطرف کند، و هم چنین در تلاش است که منازعات و کشمکش های بین المللی را پایان دهد؛ و برای تامین امنیت خود به واقعیت های بین المللی نیز توجه دارد. آقای خاتمی هدف سیاست تنش زدایی جمهوری اسلامی ایران را تقویت، توسعه و تثبیت امنیت و منافع ملی اعلام نمودند؛ و بر این نکته تأکید داشتند

که سیاست تنش‌زدایی به معنی غفلت و ناهوشیاری در برابر تهدیدات نیست، بلکه شناخت مرزهای دشمن و تلاش برای تقویت دوستی‌ها و جنبه‌های اشتراک و هوشیاری در برابر تهدیدات است (ولی‌پور، روحی، ۱۳۸۲: ۳۲۵).

اعتمادسازی

یکی دیگر از اصول سیاست خارجی ایران در دوران اصلاحات، اعتمادسازی همه‌جانبه بود. اعتمادسازی در روابط خارجی فراتر از همزیستی و تنش‌زدایی قرار داشت. اعتمادسازی فرایندی نظامی و امنیتی است که برای افزایش و ارتقاء ثبات در روابط نظامی و امنیتی دو یا چند کشور به کار می‌رود. این هدف از طریق شفافیت‌تأمین می‌شود. شفافیت به منظور کاهش عدم‌اطمینان‌نگرانی‌های دوطرف از وضعیت نظامی یکدیگر است (Hostsil; 1987: 25).

صلح‌گرایی

با انتخاب آقای خاتمی به عنوان رئیس‌جمهوری ایران خرده‌گفتمان دیگری در بطن و متن گفتمان اسلام‌گرایی شکل گرفت. این گفتمان را که در طول دوره اصلاحات در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران حاکمیت یافت می‌توان صلح‌گرایی مردم‌سالار یا لیبرال خواند. این گفتمان از یک سو تداوم و ادامه واقع‌گرایی بود، زیرا بر مصلحت‌اندیشی خردگرا و عمل‌گرایی در سیاست خارجی استوار بود؛ اما از سوی دیگر، بر سیاست و فرهنگ بیش از اقتصاد تأکید می‌ورزید و توسعه‌ی سیاسی-فرهنگی را حیاتی‌تر و ضروری‌تر از توسعه‌ی اقتصادی و عدالت اجتماعی می‌پنداشت. عقلانیت و مصلحت‌کماکان دو اصل بنیادین صلح‌گرایی در سیاست خارجی بودند، ولی نه عقلانیت ابزاری صرف، بلکه عقلانیت ارتباطی و اخلاقی. عقلانیتی که بر گفت‌وگو و مفاهیم بین‌الذهانی، جامعه‌ی عاری از سلطه و خشونت ساختاری و حق‌انتخاب آزاد استوار است (دهقانی فیروزآبادی و تاجیک، ۱۳۷۵: ۲۳).

چندجانبه‌گرایی گفتمانی

چندجانبه‌گرایی گفتمانی فراتر از هماهنگی سیاست‌ها در رفتار با کشورها دیگر و اقدامات چندجانبه است؛ براین اساس، الگوی رفتار سیاست خارجی مبتنی بر اصول و قواعد کلی است که متضمن هنجارها، هویت‌های مشترک، نهادهای رسمی و غیررسمی در زمینه همکاری و تشریک مساعی در مدیریت امور سیاسی، ارتقاء بخشی همکاری و دربرگیری، جهت‌گسترش قلمرو و دامنه همکاری و ارتقاء آن به سطح بالاتر در حوزه‌های تعاملی است، که در آن همکاری وجود ندارد، بنابراین ارزش‌ها، هنجارها و شیوه‌های تعامل مشخص را در بین کشورهای شرکت‌کننده در مدیریت بین‌الملل به وجود می‌آورد (مورگان، ۱۳۸۲: ۵۲).

به طور کلی رویکرد سیاست خارجی ایران در زمان اصلاحات ناظر بر پوشش‌های ذیل بوده است:

- پرهیز از تقابل و ایجاد تعامل سازنده و فعال؛
 - توجه به منافع ملی، ترتیبات و موازین بین‌المللی و منطقه‌ای، گسترش روابط خارجی و روابط با دولت‌ها و خودداری از دشمن‌تراشی و مطرح کردن شعارهای تحریک‌آمیز،
 - روی آوردن به همزیستی مسالمت‌آمیز و پذیرش تنوع و تکثر در جوامع، ارتقاء سطح تساهل و تسامح، رواج صلح و امنیت در قالب گفت و گوی تمدن‌ها به عنوان راهکار اصلی؛
 - عنایت ویژه به مسائل اقتصادی، اجتماعی و فنی؛
 - جرح و تعدیل مواضع ضمن حفظ اصول و ارزش‌ها به ویژه در بخش صدور انقلاب و حمایت از جنبش‌ها.
 - ارتقای سطح برون‌گرایی و گسترش همکاری و تعاملات بین‌المللی.
- با عنایت به موارد فوق می‌توان بر این نکته تأکید داشت که سیاست خارجی در این دوره به سوی همکاری فعالانه با نظام بین‌الملل میل کرده بود. (سیف زاده ۱۳۸۴: ۲۳۶).

مبانی سیاست خارجی آقای احمدی نژاد

پیروزی احمدی نژاد در انتخابات ۸۴ که از سوی جریان سیاسی هم سو با وی، حماسه تیر لقب گرفت، باعث شگفتی همگان شد، زیرا فرد کمتر شناخته شده در سطح نخبگان سیاسی، در مقابل یکی از کهنه‌کارترین رجال سیاسی تاریخ معاصر ایران به پیروزی رسید. سیاست خارجی نهم و دهم ویژگی‌های خاص خود را داشته است. به نظر می‌رسد خصوصیات تنش‌زدایانه سیاست خارجی در دوران شانزده ساله سازندگی و اصلاحات به کناری گذاشته و رویه‌ی دیگری مبتنی بر دیپلماسی مهاجمانه در پیش گرفته شده باشد.

رویکرد سیاست خارجی تهاجمی

دولت نهم ضمن نفی انفعال در سیاست خارجی، معتقد بود که جمهوری اسلامی ایران باید بر پایه سه اصل عزت، حکمت و مصلحت، دیپلماسی فعال و عزتمند را در روابط خارجی پی گیرد؛ لذا به منظور اتخاذ سیاست خارجی فعال و تأثیرگذار، جمهوری اسلامی ایران می‌بایست به جای آن که در زمین خود به صورت دفاعی بازی کند، توپ را در زمین حریف بیندازد، چرا که بازی در زمین خودی در بهترین حالت، منجر

به گل نخوردن از حریف خواهد شد، اما سیاست بازی در زمین حریف، علاوه بر آن که منجر به گل نخوردن می‌شود، می‌تواند در صورت بازی صحیح و مدبرانه منجر به گل زدن به حریف شود و یا این که حریف را مجبور می‌سازد که در اثر اشتباهاتی به خود گل بزند. سیاست خارجی تهاجمی می‌تواند موجبات تحقق سیاست خارجی فعال یا کنش مند به معنای بهره‌گیری از فرصت‌ها، در عین تلاش برای فرصت‌سازی در عرصه بین‌المللی را فراهم آورد.

سیاست خارجی نگاه به شرق

دولت نهم از سیاست نگاه به شرق به عنوان راهبردی برای برقراری تعادل و توازن بین نگاه به شرق و نگاه به غرب استفاده می‌کند؛ به عبارت دیگر، در گذشته نگاه به غرب از وزن و سنگینی بیشتری در مقایسه به نگاه به شرق برخوردار بود. حال آن که دولت نهم و دهم خواهان برقراری روابط متوازن با شرق و غرب است. نگاه به شرق به معنای نادیده گرفتن غرب نیست، بلکه به معنی آن است که از رویه و توازن شرق به ویژه کشورهایی مانند روسیه، چین، هند و حتی کشورهای آسیای جنوب شرقی که کشورهای نوصنعتی نام گرفته‌اند استفاده شود (تقفی عامری، ۱۳۸۵: ۴۶).

تأکید بر اولویت کیفیت روابط تا کمیت روابط

دولت نهم کیفیت مناسبات را بر کمیت روابط ترجیح می‌داند؛ به گونه‌ای که تنظیم و هم‌پایه ساختن روابط سیاسی با روابط اقتصادی، به گونه‌ای بود که اگر کشوری در عرصه اقتصادی ایران فعال است و منفعت خود را کسب می‌کند، باید منفعت سیاسی نیز عاید ایران گردد. دوم، اولویت همکاری با کشورهای اسلامی در جهت تشکیل قطب اسلام و گسترش دامنه ارتباطات و تعاملات با جهان اسلام در عرصه ایجاد بازار مشترک اسلامی، بانک اسلامی، بورس اسلامی و ماهواره اسلامی و تحکیم مراودات صلح محور در فضای هلال شیعی. سوم تقدم نگاه منطقه‌ای در روابط بین‌الملل و اولویت بخشی به روابط استراتژیک با کشورهای همجوار برای ایجاد امنیت منطقه‌ای و چهارم، توسعه هر چه بیشتر روابط با غیر متعهدها و ملت‌های جهان سومی (دهشیری، ۱۳۸۵: ۶۹).

به چالش کشیدن برخی هنجارهای بین‌المللی

تشکیک رئیس‌جمهور در مسئله هولوکاست را می‌توان با هدف شکستن تابوهای موجود در نظام بین‌المللی ارزیابی نمود. ایشان بر این اعتقاد بودند که به واقع اگر شش میلیون یهودی در لهستان توسط نازی‌ها در کوره‌های آدم‌سوزی و اتاقک

های گاز کشته شده اند چرا مجال تحقیق فراروی پژوهشگران برای جست و جو درباره صحت و سقم میزان کشته شدگان گشوده نمی‌شود؟ مضافاً آنکه در صورتی که این اتفاق به واقع رخ داده باشد، اگر اروپاییان مرتکب چنین جنایتی شده اند چرا کشورهای خاورمیانه باید تاوان آن را بدهند؟ از این رو بهتر است که خود اروپاییان نسبت به اسکان یهودیان در سرزمین خود اقدام کنند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۶: ۱۵۲).

در پرتو سیاست های آقای احمدی نژاد اروپا دارای روابط شکننده با ایران بود و مسائل مختلف به ویژه موضوع هسته ای این امر را تشدید می‌کرد؛ به عنوان مثال سیاست خارجی انگلیس بعد از انتخابات ریاست جمهوری نهم در ایران به طور جدی تغییر یافت؛ و منجر به نوعی رویکرد تندروانه در سیاست خارجی انگلیس نسبت به ایران شد که شاید بتوان از آن به پی جویی تغییر رفتار از راه تغییر سیاسی در داخل ایران، تعبیر نمود. یعنی دقیقاً همان استراتژی که در سیاست خارجی آمریکا نیز پیگیری می‌شود. البته انگلیسی ها و به ویژه تونی بلر آن را پیشبرد تغییر دموکراتیک در ایران تعبیر می‌کنند اما به گفته مدالین آلبرایت وزیر امور خارجه پیشین آمریکا، اظهارات بلر و مقامات انگلیس در مورد تغییر دموکراتیک عبارت ملایم تری برای تغییر رژیم به شمار می‌رود (حسینی متین، ۱۳۸۷: ۶۴۱).

گفت و گوهای سازنده بین ایران و اتحادیه اروپا

خاتمی در زمانی رئیس جمهور ایران شد که به علت نبود یک استراتژی هماهنگ در سیاست خارجی دولت پیش از او، روابط سیاسی - اقتصادی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای اروپایی در وضع نامطلوبی به سر می‌برد. جمهوری اسلامی ایران در دیدگاه غربی ها (اروپایی ها) با مفاهیمی چون خشونت، ترور، نقض حقوق بشر، تهدید علیه امنیت ملی سایر کشورها قرین شده بود؛ در پرتو اصل تنش زدایی در سیاست خارجی دولت جدید، کشورهای اروپایی که پس از رای دادگاه می‌کونوس در ۲۱ فروردین ماه ۱۳۷۶ سفراء خود را از تهران فراخوانده بودند، بار دیگر درصدد بازسازی مناسبات خود با جمهوری اسلامی ایران برآمدند (آشنا، ۱۳۷۷: ۳۹).

در سایه سیاست تنش زدایی و اعتمادسازی آقای خاتمی تلاش نمودند تا موانع گسترش روابط ایران و اتحادیه اروپایی برطرف شود. دولت های عضو اتحادیه اروپا نیز سیاست خارجی خود را در قبال ایران مورد بازبینی قرار دادند؛ در پرتو اراده متقابل برای گسترش روابط دیدارهای متقابلی بین مقامات ایرانی و اروپایی آغاز گردید، که زمینه ساز گفت و گوهای سازنده گردید. شورای اروپا در اجلاس ۱۴ مارس ۱۹۹۸ خود در اسکاتلند، تداوم روند مثبت روابط و از سرگیری دیدار مقامات دو طرف

را مورد تأکید قرار داد و در اجلاس ۳۱ مارس همان سال، شورا از رئیس دوره ای اتحادیه اروپایی درخواست کرد زمینه برگزاری نخستین دور گفت و گویای فراگیر را فراهم نماید.

گفتگوهای فراگیر بین جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپایی که در دوره ریاست اتریش در سال ۱۹۹۸ آغاز شد، از لحاظ نام، محتوا و محل برگزاری تفاوتهای عمده ای با گفتگوهای قبلی داشت، به این ترتیب که نام انتقادی آن حذف شده بود، برای اولین بار به صورت چرخشی در تهران و پایتختهای ریاستهای دوره ای اتحادیه برگزار می شد و برخلاف مذاکرات گذشته که صرفاً موضوعات سیاسی در دستور کار قرار می گرفت همکاریهای اقتصادی نیز مد نظر قرار گرفت.

ادوار گفتگوهای فراگیر و سازنده:

اولین دور گفتگوهای فراگیر و سازنده در تهران در تیرماه سال ۱۳۷۷ در زمان ریاست اتریش

دومین دور گفتگوهای فراگیر در وین در تاریخ ۲۷ آذرماه ۱۳۷۷ در زمان ریاست اتریش.

سومین دور گفتگوها در تاریخ ۳۰ خردادماه ۱۳۷۸ در زمان ریاست آلمان چهارمین دور گفتگوها در تاریخ ۱۰ آذر ماه ۱۳۷۸ در هلسینکی در زمان ریاست فنلاند.

پنجمین دور گفتگوها در تهران، اول تیرماه ۱۳۷۹ در زمان ریاست پرتغال ششمین دور گفتگوهای فراگیر در ۲۵ بهمن ۱۳۷۹ در استکهلم در زمان ریاست سوئد هفتمین دور گفتگوهای فراگیر در تاریخ ۱۲ شهریور ۱۳۸۰ در زمان ریاست بلژیک هشتمین دور گفتگوهای فراگیر ۱۵ بهمن ماه ۱۳۸۰ در مادرید در زمان اسپانیا نهمین دور گفتگوها در تاریخ ۱۹ شهریور ۱۳۸۱ در تهران در زمان ریاست دانمارک دهمین دور گفتگوها در اواخر اردیبهشت ۱۳۸۲ در آتن در زمان ریاست یونان.

بنا بر گزارش فوریه ۲۰۰۱ کمیسیون اروپا، گفتگوهای فراگیر امکان تبادل در مورد طیف وسیعی از موضوعات را فراهم می کرد که در این میان حقوق بشر و موضوعات حقوق بشری یکی از عمده ترین موضوعات بود. گفتگوهای فراگیر به بهبود روابط کمک کرد، اما حوزه و دامنه آن محدود بود برخی گروههای کاری مشترک که بین ایران و کمیسیون اروپا تشکیل شده و به کار کارشناسایی زمینه های مورد علاقه متقابل و بررسی امکان همکاری می پردازد تکمیل کننده گفتگوی فراگیر است؛ و در این زمینه گروههایی به کار شناسایی در مورد حقوق بشر می پرداختند؛ اما علی رغم این فقدان یک چهارچوب قراردادی، توسعه این نوع همکاریها را محدود

می‌ساخت (خالوزاده، ۱۳۸۳: ۲۷۰).

برای درک جایگاه و اهمیت مساله حقوق بشر در این گفت و گو شایان ذکر است در تنظیم سند این گفت و گوها میان دولت های اروپایی دو نگرش ایجاد گردید. کشورهایی چون انگلیس، آلمان، دانمارک، هلند و لوگزامبورگ خواهان تنظیم سندی فراگیر و جامع گردیدند که در آن همکاری اقتصادی، بازرگانی با ایران منوط به همکاری ایران در زمینه مسائل سیاسی و حقوقی از جمله بهبود وضعیت حقوق بشر در ایران گردد. آمریکا و اسرائیل نیز موافق با این رویکرد بودند؛ در مقابل، کشورهای فرانسه، یونان، ایتالیا و اسپانیا خواستار سند اقتصادی و تجاری و عدم پیوند مساله با مسائل دیگر بودند. سرانجام رویکردی تلفیقی با تنظیم دو سند جداگانه اتخاذ گردید لیکن در عمل سیاست پیوند مسائل به همدیگر رخ داد. خاویر سولانا مسوول وقت سیاست خارجی اتحادیه در اولین سفر که به منظور فراهم ساختن دور جدید گفت و گوهای فراگیر و با هدف تنظیم سند همکاری اقتصادی و بازرگانی در ژوئن ۲۰۰۲ به تهران داشت بر نگرانی اروپا در مورد مسائل سیاسی تأکید نمود؛ در بیانیه سال بعد نیز ۱۵ کشور عضو اتحادیه به ایران هشدار دادند که مذاکرات مشروط به پیشرفت ایران در مسائل سیاسی از جمله احترام به حقوق بشر می‌باشد. بدون تردید، سیاست اروپا پس از حادثه ۱۱ سپتامبر چرخشی تدریجی به سوی همکاری و پیروی با سیاست آمریکا در منطقه داشته است و این چرخش بر نوع نگرش اروپا به مذاکرات نیز تأثیر گذار بوده است (جعفری ولدانی، ۱۳۸۲: ۴۵).

بعد از آشکار شدن فعالیت هسته ای ایران، گفت و گوی فراگیر جای خود را به گفت و گوی مشروط داد؛ به گونه ای که اتحادیه اروپا در خرداد ماه ۱۳۸۲ با صدور بیانیه ای به صراحت بیان داشت که گفت و گوهای این اتحادیه با جمهوری اسلامی ایران مشروط و منوط به اقدامات مثبت این کشور در حوزه حقوق بشر، عدم گسترش سلاح هسته ای و فرایند صلح اعراب و اسرائیل است (دهقانی فیروز آبادی، ۶۷-۶۸). علاوه بر گفت و گوهای سازنده در دوران اصلاحات که در مورد طیف وسیعی از موارد به تبادل نظر می‌پرداختند گفت و گوهای ویژه حقوق بشری نیز بین ایران و اتحادیه اروپا شکل گرفت. بعد از شکست قطع نامه وضعیت حقوق بشر و عدم توفیق بانیان اروپایی آن طی پنجاه و هشتمین اجلاس کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در بهار سال ۱۳۸۱ و خروج ایران از سیستم نظارت بین المللی از یک سو و عدم ارائه قطعنامه از سوی اتحادیه اروپایی در پنجاه و هفتمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد از سویی دیگر، وضعیت و شرایط مساعدی جهت طرح دیدگاه ها و مسائل حقوق بشر میان جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا را فراهم کرد. طی نهمین دور گفت و گوهای گسترده میان جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپایی و

متعاقب اولین دور گفت و گوهای کارشناسی حقوق بشر طرفین در تهران در مهرماه ۱۳۸۱، جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا توافق کردند تا به منظور جایگزین کردن رهیافت تعامل و مفاهمه به جای تقابل، اولین دور گفت و گوهای حقوق بشری را در زمان ریاست دوره ای دانمارک برگزار کنند.

اولین دور گفت و گوهای حقوق بشری جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا در آذرماه ۱۳۸۱ میان طرفین برگزار گردید. دو موضوع منع تبعیض و راه‌های پیشگیری از اعمال شکنجه موضوعاتی بودند که در این دور از مذاکرات مورد بحث و بررسی و کارشناسی قرار گرفتند.

دومین دور این گفت و گوها در اسفندماه ۱۳۸۱ و در بروکسل برگزار گردید؛ در این دور از گفت و گوها نیز موضوعات حاکمیت قانون و دادرسی عادلانه به بحث و تبادل نظر گذاشته شد.

دور سوم گفت و گوهای حقوق بشری در دوره ریاست ایتالیا بر اتحادیه اروپا در مهرماه ۱۳۸۲ در بروکسل برگزار گردید؛ در این دور از گفت و گوها دو موضوع حق توسعه و آزادی بیان مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

در نهایت، چهارمین دور گفت و گوهای حقوق بشری ایران و اتحادیه اروپا در خردادماه ۱۳۸۳ به میزبانی جمهوری اسلامی ایران در تهران برگزار شد؛ در این دور از گفت و گوها، طرفین پیرامون موضوعات نحوه اجرای عدالت در سیستم قضایی و تقویت همکاری و همبستگی بین المللی در زمینه حقوق بشر به بحث و گفت و گو پرداختند (غانبی، ۱۳۹۱: ۶۲). پس از رای مثبت اتحادیه اروپا به قطعنامه علیه ایران، ایران نیز تصمیم به تعلیق گفت و گوهای حقوق بشری گرفت.

گفت و گوهای سازنده و حقوق بشری ایران و اتحادیه اروپا باعث فروکش شدن انتقادات در زمینه حقوق بشر علیه ایران نشد. اتحادیه اروپا به دوصورت، بیانیه‌ها و قطع نامه‌های صادره از سوی نهادها مختلف اتحادیه اروپا و همچنین در مشارکت در تصویب قطع نامه از سوی نهادهای بین المللی مخصوصا سازمان ملل متحد، همچنان منتقد وضعیت حقوق بشر در ایران بود؛ که در ذیل به بررسی هرکدام می‌پردازیم.

بیانیه‌های صادره از سوی نهادهای اتحادیه اروپا در سال‌های ۱۹۹۸-۲۰۰۵

اتحادیه اروپا و نهادهای مختلف آن همواره قطع نامه‌های متعددی علیه ایران صادر نموده‌اند. بیانیه‌های که نشان‌گر دید منفی اتحادیه اروپا نسبت به وضعیت حقوق بشر در ایران است؛ اگر چه این بیانیه‌ها لازم الاجراء نیستند، اما بر افکار عمومی جهان تأثیرگذار است؛ در ذیل به بررسی برخی از بیانیه‌های شورای وزیران، ریاست دوره‌ای اتحادیه اروپا، کمیسیون اروپا در زمان آقای خاتمی می‌پردازیم.

شورای وزیران

شورای وزیران در ۲۳ فوریه سال ۱۹۹۸، روابط ایران با اتحادیه اروپا متأثر از پیشرفت‌ها از زمان خاتمی و اظهار تمایل دولت جدید ایران برای داشتن مبادلات بیشتر با اتحادیه اروپا، بررسی کرد و علاقه اتحادیه اروپا به داشتن روابط با ایران را اعلام نمود؛ در گام نخست شورا تصمیم گرفت که بازدیدهای رسمی دو طرف، از سر گرفته شود. شورا همچنین موافقت کرد که این تماس‌ها باید

جامع باشند و منجر به گفت و گویی دوطرفه در زمینه نگرانی‌ها، بحث‌ها و تمایلات میان آن‌ها شود (1998; The European Council Meeting 2070). که به گفت و گوهای سازنده منجر شد.

شورای وزیران در نشست ۱۸ مارس ۲۰۰۳ ضمن ابراز نگرانی از ادامه نقض جدی حقوق بشر در ایران، اعلام نمودند: ادامه حملات علیه آزادی مطبوعات از جمله توقیف چندین روزنامه وابسته به اصلاحات، زندانی کردن روزنامه نگاران، دانشجویان و روشنفکران آزار دهنده است. این شورا ضمن بیان مخالفت خود نسبت به استفاده از مجازات مرگ، نگرانی جدی خود را از ادامه اعدام، به ویژه اعدام در ملاءعام اعلام کردند؛ و از عدم پذیرش کنوانسیون منع شکنجه از سوی ایران به رغم تأکید این امر در اصل ۳۸ قانون اساسی ایران، ابراز تأسف نمود. همچنین نسبت به آنچه تبعیض علیه زنان و اقلیت‌ها نامیدند، ابراز تأسف نمود (2495The European Council Meeting; 2003).

در نشست ۱۶ ژوئن ۲۰۰۳ شورا اعلام کرد در نزدیکی شروع مذاکرات، انتظار می‌رود تعمیق روابط اقتصادی و تجاری بین اتحادیه اروپا و ایران با تمام جوانب روابط سیاسی، اتحادیه اروپا و ایران هماهنگ باشد. این شورا به طور مشخص و ویژه، پیشرفت‌های مثبت و مهم در زمینه‌هایی همچون حقوق بشر را بیان می‌کند (2018The European Council Meeting; 2003).

در ۲۱ جولای ۲۰۰۳ شورای وزیران بار دیگر ابراز نگرانی عمیق خود از وضعیت حقوق بشر در ایران و بازداشت دانشجویان، روزنامه نگاران و دیگر افراد در تظاهرات دانشجویان، از ایران خواست همکاری نزدیکی با سازوکارهای حقوق بشری سازمان ملل متحد داشته باشند. همچنین ضمن استقبال از تصمیم رئیس جمهور وقت آقای خاتمی در دستور به چهار وزیر کابینه برای تحقیق در مورد مرگ زهرا کاظمی روزنامه‌نگار- عکاس نگرانی عمیق خود از مرگ وی را اعلام کرد و تعهدات ایران را در قوانین بین‌المللی به منظور رسیدگی سریع و تعقیب راه‌های ممکن برای این جنایت یادآوری کرد (The European Council Meeting; 2003 2522).

این شورا در ۱۳ اکتبر ۲۰۰۳ اعلام کرد مایه تأسف است که شورای نگهبان طرح

پیشنهادی مجلس برای پیوستن ایران به کنوانسیون حذف تمام اشکال تبعیض علیه زنان را رد کرده است. این شورا علاوه بر این از ادامه نقض حق آزادی مذهب، به ویژه در رابطه با بهاییان که دین آن‌ها در قانون اساسی مورد شناسایی قرار نگرفته و با تبعیض‌های جدی در آموزش، حق مالکیت و استخدام مواجه هستند، نگران است و از مقامات ایران می‌خواهد مطابق با اعلامیه ۱۸ آگوست امسال کمیسیون، یعنی حذف تبعیض نژادی عمل کند (The European Council Meeting; 2003 2533). شورا در ۲۳ فوریه ۲۰۰۴ از رد صلاحیت تعدادی از نامزدهای مجلس شورای اسلامی توسط شورای نگهبان ابراز تأسف کرد و آن را یک عقب نشینی از روند دموکراتیک در ایران خواند (The European Council Meeting; 2004 2563). این شورا در ۷ نوامبر ۲۰۰۵ از نقص جدی حقوق بشر در ایران ابراز نگرانی کرد و ایران را به رعایت حقوق بشر و حاکمیت قانون فراخواند و اعلام نمود که اتحادیه نسبت به برگزاری دور بعدی مذاکرات (علی رغم تلاش‌های اتحادیه اروپا که از ژوئن ۲۰۰۴ قطع شده)، ناامید شده است و از ایران می‌خواهد تا گام‌های عملی برای از سرگیری گفت و گوه‌های حقوق بشری بردارد؛ و با اعمال خویش ثابت کند که این گام‌ها در جهت بهبود رعایت حقوق بشر است. از جمله توقف اعدام نوجوانان و آزادی همیشگی اکبر گنجی و دیگر زندانیان فکری (The European Council Meeting; 2005 2687).

این شورا در ۱۲ دسامبر ۲۰۰۵ از ناامیدی اتحادیه در تعیین تاریخ از سرگیری مذاکرات حقوق بشری بین اتحادی اروپا و ایران خبر داد و اعلام کرد: بدتر شدن وضعیت حقوق بشری و نبود عمل مناسب از طرف مقامات ایران برای اصلاح قوانین و اعمال رسمی که به نقض حقوق بشر کمک می‌کند، شکست جدی در رابطه با رعایت حقوق و آزادی‌های اساسی مردم ایجاد می‌کند. این شورا همچنین از تصویب قطعنامه‌های حقوق بشری، در کمیته سوم مجمع عمومی و سازمان ملل متحد علیه ایران استقبال کرد و از ایران خواست هر چه سریع‌تر نگرانی‌های اشاره شده در آن قطعنامه را اجرا کند (The European Council Meeting; 2005 2200).

ریاست دوره ای اتحادیه اروپا

اعلام دولت اصلاحات مبنی بر رعایت آزادی بیان با اینکه ابتدا با استقبال اتحادیه مواجه شد، اما در ۱۶ دسامبر ۱۹۹۸، این اتحادیه ضمن ابراز نگرانی از ارباب نویسندگان و روشنفکران در ایران، تأکید کرد که احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی از جمله آزادی بیان از اهمیت برخوردار هستند؛ و ایران را ملزم به رعایت این موارد است (Declaration by The EU; 1998).

حوادث تیرماه ۱۳۷۸ در تهران و کوی دانشگاه نیز مورد توجه اتحادیه اروپا قرار

گرفت. اتحادیه در ۱۵ جولای ۱۹۹۹ اعلام کرد که واکنش پلیس و نیروهای امنیتی نسبت به تظاهرات دانشجویان که از ۸ جولای ۱۹۹۹ در تهران شروع شد و به دیگر شهرها گسترش یافت، را با نگرانی دنبال می‌کند و از تمام نیروهای سیاسی، اجتماعی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران خواست سیاستی همراه با مدارا و احترام به حقوق بشر را پیشه نماید. اتحادیه اعتقاد دارد که وضعیت حاضر فقط از طریق گفت و گو و براساس ملاک قرار دادن حقوق بشر جهانی قابل حل است (Declaration by the EU; 1999).

کمیسیون اروپا

کمیسیون در گزارش ۷ فوریه ۲۰۰۱ درباره راه‌های گسترش روابط با ایران، حقوق بشر و حقوق زنان و اقلیت‌ها را جز چالش‌های حقوق بشری اعلام کرده است، که برای داشتن روابط نزدیک‌تر باید حل و فصل شوند.

کمیسیون اروپا (به عنوان بازوی اجرایی اتحادیه) در گزارش ماه فوریه سال ۲۰۰۳ خود به طور واضح خواستار همکاری جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک شریک با ثبات‌تر در منطقه برای اتحادیه شده و ارتقای سطح دموکراسی و احترام بیشتر به حقوق بشر را لازمه این امر دانسته است (اشقلی، ۳۸۶: ۱۰).

گزارش ماه فوریه سال ۲۰۰۴ کمیسیون اروپایی برای توسعه مناسبات با ایران هم دلایل سیاسی و هم دلایل اقتصادی را مورد توجه قرار می‌دهد؛ در این گزارش آمده است که: «ایران منبع مهم نفت و گاز در یک منطقه مهم استراتژیک است و منافع عمده‌ای در مناطق همجوار و از جمله آسیای مرکزی و قفقاز دارد. ایران به عنوان یک شریک اقتصادی منطقه‌ای از پتانسیل‌های قوی برخوردار می‌باشد و می‌تواند فرصت‌های مهمی را برای تجارت و سرمایه‌گذاری در اختیار اروپا قرار دهد و ... این پتانسیل در صورتی توسعه خواهد یافت که سیاست‌های اقتصادی و تجاری ایران به طور کلی مورد بازنگری و تجدید نظر قرار گیرد. علاوه بر آن ارتقای سطح دموکراسی و احترام بیشتر به حقوق بشر به ایران کمک خواهد کرد تا شریک با ثبات‌تری برای اتحادیه اروپا در منطقه باشد» (اسکندری، ۱۳۸۲: ۲۰).

مطالب بالا برخی از قطعنامه‌های صادره از نهادهای مختلف اتحادیه اروپا در مورد وضعیت حقوق بشر است. آنچه در اسناد بالا مشهود است نگرش منفی نسبت به وضعیت حقوق بشر است. اما اتحادیه اروپا در غالب سازمان‌های بین‌المللی، به خصوص در سازمان ملل نیز تلاش‌های زیادی در جهت محکوم کردن وضعیت حقوق بشر در ایران داشت.

بانی‌گری یا هم‌بانی‌گری اتحادیه اروپا در سازمان ملل متحد ۱۹۹۸-۲۰۰۴

علاوه بر بیانیه‌های صادر شده از سوی نهادهای رسمی اتحادیه اروپا علیه ایران، اتحادیه اروپا به صورت سنتی از بانیان قطع‌نامه‌های حقوق بشری صادر از نهادهای بین‌المللی علیه ایران بودند. این بانی‌گری در یک مقطع زمانی طولانی از اواسط دهه ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۲ ادامه داشت.

در سال ۱۹۹۸، سیاست‌های دولت آقای خاتمی در زمینه حقوق بشر، سبب شد تا اجلاس ۵۴ کمیسیون حقوق بشر با فضای نسبتاً مثبتی به موضوع وضعیت حقوق بشر در ایران پردازد؛ در واقع با توجه به پیشرفت‌های چشمگیر جمهوری اسلامی ایران در زمینه رعایت استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر، که در مقدمه سومین گزارش کاپیتورن به کمیسیون نیز به روشنی مورد تأکید قرار گرفته است، انتظار می‌رفت که بانیان سنتی قطعنامه، یعنی اتحادیه اروپا برخورد مثبتی با موضوع داشته باشند اما این گونه نشد. انگلستان به نمایندگی از اتحادیه اروپا، پیش‌نویس قطعنامه‌ای را مطرح کرد که در آن، از ادامه نقض حقوق بشر در ایران ابراز نگرانی شده بود؛ در این اجلاس حتی بحث عدم طرح قطعنامه و اکتفا به صدور یک بیانیه از سوی رئیس کمیسیون حقوق بشر نیز مطرح بود، ولی سرانجام بانیان سنتی قطعنامه یعنی اتحادیه اروپا، آمریکا و کانادا پیش‌نویس قطعنامه را توزیع کردند و به رأی‌گیری گذاشتند (شریفیان، ۱۳۸۰: ۲۹۶-۲۹۷).

این وضعیت در اجلاس ۵۳ مجمع عمومی در سال ۱۹۹۸ نیز وجود داشت و علیرغم لحن نسبتاً ملایم گزارش نماینده ویژه، تعدادی از کشورهای عضو اتحادیه اروپا به همراه آمریکا متن قطعنامه‌ای را بر علیه ایران مطرح کردند و پس از رأی‌گیری به تصویب رسید. اگرچه این لحن این قطعنامه، در مقایسه با قطعنامه سال قبل، ملایم‌تر بود، ولی باز هم به بسیاری از موارد ادعایی نقض حقوق بشر در ایران اشاره کرده است.

تا سال ۲۰۰۲، روند فشارهای حقوق بشری اتحادیه اروپا بر جمهوری اسلامی ایران، که در قالب طرح قطعنامه‌هایی با لحن تند درباره وضعیت حقوق بشر در ایران نمود می‌یافت، ادامه پیدا کرد؛ در سال ۲۰۰۲، اجلاس ۵۸ کمیسیون حقوق بشر برگزار شد. این اجلاس به شدت متأثر از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و همچنین وضعیت خاص سرزمین‌های اشغالی و جنایات رژیم صهیونیستی بود. اروپاییان بار دیگر پیش‌نویس قطعنامه‌ای را ارائه دادند و دولت اسپانیا نیز به نمایندگی از اتحادیه اروپا به معرفی پیش‌نویس پرداخت. جمهوری اسلامی ایران در این اجلاس موفق شد در رأی‌گیری بر روی متن پیشنهادی اتحادیه اروپا، با یک رأی آن را شکست دهد و مانع از تصویب قطعنامه شود.

عوامل مختلفی سبب رأی نیاوردن قطعنامه پیشنهادی اتحادیه اروپا علیه ایران بود. برخی از این عوامل عبارتند از: مذاکرات مستمر هیأت نمایندگی جمهوری اسلامی با اعضای کمیسیون و ترکیب مساعد اعضای کمیسیون. می‌توان چنین بیان نمود که ایران تا پیش از این مقطع صدور قطعنامه را امری محتوم تلقی می‌کرد، از این رو تلاش‌های خود را متمرکز بر تعدیل محتوای آن نموده بود؛ ایران در این زمان همزمان با تعقیب سیاست قبلی خود مبتنی بر چانه زنی با بانیان قطعنامه به منظور تعدیل مفاد آن، رویکردی را با هدف عدم به تصویب رسیدن قطعنامه در کمیسیون اتخاذ کرد؛ از این رو وارد مذاکره و چانه زنی با اعضای غیر اروپایی کمیسیون گردید و تلاش نمود تا آرای آنان را به نفع خود جلب نماید. بنابراین می‌توان چنین بیان کرد عدم اتلاف وقت در مذاکره با اتحادیه برای نرم کردن لحن قطعنامه، عدم ایجاد حساسیت و تشنج در صحن کمیسیون، عدم درگیری لفظی با نماینده ویژه سازمان غیردولتی منتقد و در نهایت لابی برای جلب آراء به صورت فعال و نا محسوس موجب تصویب نشدن قطع نامه علیه ایران گردید (مهرپور، ۱۳۸۱: ۴۵).

به دنبال شکست قطعنامه علیه ایران در پنجاه و هشتمین جلسه کمیسیون حقوق بشر، و همچنین پایان یافتن ناظر ویژه بر وضعیت ایران در بهار ۱۳۸۱، ایران از تمامی گروه های کمیسیون جهت بازدید از ایران دعوت به عمل آورد، به دنبال این دعوت گروه های مهمی از ایران بازدید نمودند که می‌توان به سفر گزارشگر ویژه حقوق بشر در خصوص مهاجران (فوریه ۲۰۰۵)، گزارشگر ویژه در خصوص خشونت علیه زنان (مارس ۲۰۰۵) اشاره نمود. این امر بر توسعه همکاری های ایران با کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل و کمیسیون حقوق بشر افزود (ضیایی فر، ۱۳۸۴: ۱۴).

در سال ۱۳۸۳ وقوع دو مساله یعنی صدور قطع نامه شورای امنیت علیه فعالیت های هسته ای ایران و موضوع خبرنگار ایرانی تبعه کشور کانادا (زهره کاظمی که در بازداشتگاه ایران به طرز مشکوکی درگذشت) باعث گردید که نوع تعامل ایران و اتحادیه اروپا وارد دور تازه‌ای گردد. صدور قطعنامه شورای امنیت علیه فعالیت‌های هسته‌ای ایران در سال ۱۳۸۳ و ضرورت تبعیت از سیاست‌های آمریکا در قبال ایران، اتحادیه اروپا را به اولویت دادن همراهی با سیاست‌های آمریکا نسبت به بهره‌گیری منافع اقتصادی و تجاری خود با ایران واداشت. مقامات اروپایی علاوه بر مساله هسته‌ای ایران، مسائل مربوط به حقوق بشر و وضعیت داخلی ایران و وضع اعراب و اسرائیل را از جمله موانع گسترش روابط ایران و اروپا ذکر کردند و در قبال ایران سیاست تندی اتخاذ کردند؛ در مورد دوم، موضوع خبرنگار ایرانی تبعه کانادا این فرصت را فراهم ساخت که کانادا بانی‌گری فعالیت برای تصویب قطعنامه علیه ایران در سازمان ملل را بر عهده گرفت و اروپا هم در نقش هم بانی تلاش نمود تا بدون

بر دوش کشیدن هزینه‌های بانی‌گری، از فرصت پیش آمده بهره‌برداری نماید. بر این اساس، کانادا بانی قطعنامه علیه ایران گردید و تمامی اتحادیه نیز منفردا به آن رای مثبت دادند (عبدخدایی، ۱۳۸۹: ۲۰-۲۱).

موضوع قتل خانم زهرا کاظمی در یکی از زندان‌های ایران باعث شد کانادا به این بهانه، در سال ۲۰۰۳، قطعنامه ای را با حمایت دولت‌های اروپایی در مجمع عمومی مطرح کرد و با تصویب این قطعنامه، دور جدید فشارهای حقوق بشری بر جمهوری اسلامی ایران در مجمع عمومی سازمان ملل متحد با بانی‌گری کانادا و حمایت اروپا آغاز گردید؛ در این دوران علی‌رغم اینکه یک گفتمان معتدل حاکم بود اما انتقادات از ایران همچنان ادامه داشت؛ در ذیل به بررسی مبانی سیاست خارجی آقای احمدی نژاد و تاریخچه روابط ایران و اتحادیه اروپا در زمینه حقوق بشر را در این دوران بررسی می‌کنیم.

روابط ایران و اتحادیه اروپا در سال‌های ۲۰۰۶-۲۰۱۳

پس از قطع گفت و گوهای سازنده در سال ۲۰۰۴، تاکنون ایران و اتحادیه اروپا غیر از برخی ابتکارات دوجانبه همچون فراهم آوردن مقدمات گفت و گوهای حقوق بشری با دانمارک که در اواخر سال ۲۰۱۰ در حال اجرا بود و یا تداوم گفت و گوهای حقوق بشری با سوئیس - گفت و گو یا تعاملی در خصوص موضوع حقوق بشری با یکدیگر نداشته‌اند؛ در این مدت نهادهای مختلف اروپایی به صدور قطعنامه و بیانیه علیه ایران ادامه دادند؛ در همان حال نیز تمایل خود را برای ازسرگیری گفت و گوهای حقوق بشری را اعلام نمودند. این تمایل به شکل روشنی در گزارش سال ۲۰۰۸، ۲۰۰۹، ۲۰۱۰، پارلمان اروپایی در خصوص وضعیت حقوق بشر در جهان ذکر شده است. همزمان در این مدت جمعا هشت قطعنامه علیه وضعیت حقوق بشری در ایران صادر شده است (گلشن پژوه، ۱۳۹۰: ۷۶). نگرش اتحادیه اروپا در این دوران نیز به صورت هم بانی‌گری در سازمان‌های بین‌المللی و همچنین بیانیه‌های صادر شده از سوی نهادهای رسمی اتحادیه اروپا قابل تبیین است در ذیل به بررسی آن می‌پردازیم.

بیانیه‌های صادره از سوی نهادهای اتحادیه اروپا در سال‌های ۲۰۰۶-۲۰۱۳ در این دوران نهادهای مختلف اتحادیه اروپا همواره به صدور بیانیه و قطعنامه در خصوص وضعیت حقوق بشر در ایران می‌پرداختند که در ذیل به بررسی برخی از آنها می‌پردازیم.

شورای وزیران

شورای وزیران در ۲۶ مارس ۲۰۰۶ از نقض حقوق بشر در ایران انتقاد کرد و خشونت به کار برده شده علیه تظاهرات انجام شده در روز جهانی زن را محکوم کرد (2719 European Council Meeting; 2006).

شورای وزیران در ۱۹ ژوئن ۲۰۰۹ نگرانی جدی خود را از به کارگیری خشونت در خیابان ها و استفاده از زور علیه تظاهر کنندگان اعلام نمود؛ و اضافه کرد که این یک امر اساسی است که مردم ایران می خواهند به اهداف خود از طریق مسالمت آمیز دست یابند؛ و خواهان آزادی بیان داشته باشند (European Council Meeting; 2951, 2009).

اتحادیه اروپا اقدامات صورت گرفته توسط ایران در جلوگیری از شهروندان خود از مخابره و دریافت اطلاعات از طریق تلویزیون، رادیو، ماهواره و اینترنت را نگران کننده می داند. اتحادیه اروپا از مقامات ایران می خواهند تا پخش پارازیت بر ماهواره و فیلتر کردن اینترنت را متوقف کنند؛ در این بیانیه از ایران خواسته شده که حق آزادی بیان تنظیم شده در میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، که ایران آن را امضاء و تصویب کرده است، را تامین کند (European Council Meeting; 3005, 2010).

در ۲۱ مارس ۲۰۱۱ شورای وزیران اعلام کرد، از وضعیت حقوق بشر در ایران که هر روز بدتر می شود، عمیقاً نگران است. اتحادیه اروپا از افزایش چشمگیر اعدام ها، وحشت زده شده است؛ از مقامات ایران می خواهد بر طبق تعهدات بین المللی حقوق بشری خود که آن را امضاء کرده اند، عمل کنند و از تمام موارد حقوق بشری و آزادی های اساسی که مردم ایران شایسته آن است، حمایت کنند و آن ها را به تکامل برسانند، به ویژه از ایران می خواهد تا فوراً زندانیان سیاسی را آزاد و اعدام ها متوقف کند (European Council Meeting; 3076, 2011).

نمایندۀ عالی اتحادیه اروپا در سیاست خارجی و امنیتی مشترک

در زمان کاترین اشتون که بعد از خاویر سولانا، عهده دار سیاست خارجی و امنیتی اروپا شد، بیشترین بیانیه ها را در مورد ایران صادر نموده است؛ که در ذیل به برخی از آن ها اشاره می نمایم.

وی در بیانیه ای که در ۲۹ ژانویه ۲۰۱۰ صادر کرد، ضمن محکوم کردن اعدام محمدعلی زمانی و آرش رحمانی - از مخالفان سلطنت طلب که در دادگاه های مربوط به حوادث بعد از انتخابات سال ۱۳۸۸، به مرگ محکوم شده بودند- از مقامات ایران خواست احکام صادر شده را متوقف کند (اشقلی، ۱۳۸۸: ۲۳۸).

کاترین اشتون در ۱۲ ژوئن ۲۰۱۰ در بیانیه ای، از مقامات ایران خواست با اجازه دادن به شهروندان خود در مخابره آزاد و دریافت اطلاعات از طریق تلویزیون، فرستنده های رادیویی و اینترنت به آزادی بیان احترام بگذارند. وی افزود: افزایش روزافزون جو ترس در ایران از ادامه ارعاب ژورنالیست ها، مدافعان حقوق بشر، دانشجویان و تمامی کسانی که سعی می کنند از حقوق مدنی خودشان دفاع کنند ناشی می شود

(Ashton; 29 January 2010). او در ۱۲ آگوست ۲۰۱۰ در بیانیه‌ای نگرانی خود را نسبت به احکام صادر شده علیه هفت رهبر بهایی ابراز داشت. وی روند قضایی آن‌ها را معیوب دانست، زیرا با توجه به تعهدات بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و قوانین داخلی محاکمه منصفانه‌ای نداشتند؛ در این بیانیه ایشان خواستار آزادی این هفت تن شدند (Ashton; 12 August 2010).

در ۲ نوامبر ۲۰۱۰ سخنگوی اتحادیه اروپا در بیانیه‌ای که صادر کرد، ضمن نگرانی از اعدام قریب‌الوقوع خانم سکینه محمدی آشتیانی و درخواست از ایران مبنی بر لغو حکم اعدام وی، خاطرنشان کردند در حالی که مقامات ایران اطمینان داده‌اند خانم آشتیانی سنگسار نخواهد شد، ممکن است او به جرم همدستی در قتل شوهرش با طناب دار اعدام شود، که هیچ‌یک از این دو قابل پذیرش نیست (Ashton; 2 November 2010).

وی در ۴ مارس ۲۰۱۱ در بیانیه‌ای دیگر ضمن ابراز نگرانی از وضعیت مهدی کروبی و میرحسین موسوی، از مقامات ایران خواست تا به حق آزادی سران جنبش و مخاپره آزاد اطلاعات احترام بگذارند (Ashton; 4 March 2011).

وی در ۶ جولای ۲۰۱۱ نیز نگرانی عمیق خود را از بازداشت گسترده روزنامه‌نگاران، هنرمندان زن و مدافعان حقوق زنان اعلام کرد؛ و از ایران خواست به حق آزادی بیان، مطابق با تعهدات بین‌المللی حقوق بشری احترام بگذارد و مدافعان بازداشت شده حقوق زنان را فوراً آزاد کند (Ashton; 6 July 2011).

بیانیه‌های فوق بخشی از بیانیه‌های خانم اشتون است که به بهانه‌های مختلف علیه وضعیت حقوق بشر در ایران بیان کرده‌اند.

پارلمان اروپا

پارلمان اروپا نیز در این دوران یکی از فعال‌ترین نهادها در صدور بیانیه علیه وضعیت حقوق بشر در ایران بوده است؛ که به برخی از قطعنامه‌های این پارلمان اشاره می‌کنیم. پارلمان اروپا در قطعنامه ۲۲ اکتبر ۲۰۰۹ با اعلام اینکه وضعیت کلی حقوق بشر از زمان انتخابات ریاست جمهوری ژوئن ۲۰۰۹ بدتر شده است؛ مجازات اعدام را به شدت محکوم کردند و مصرانه از مقامات ایران درخواست کرد که در قانون و عمل تمام اشکال شکنجه را حذف نماید. همچنین از ایران خواستند از روند حاکمیت قانون و از بین بردن تخلفات حقوق بشری حمایت کنند (European Parliament Resolution; 22 October 2009).

پارلمان در قطعنامه ۱۰ فوریه ۲۰۱۰ ضمن اعلام تردید جدی خود از صحت نتایج

انتخابات ریاست جمهوری که منجر به انتخاب مجدد آقای محمود احمدی نژاد برای بار دوم شد؛ از حکومت ایران درخواست کرد به آزادی تجمعات و آزادی بیان احترام بگذارد. همچنین در این قطعنامه تلاش مقامات ایران برای سانسور خبری و رسانه ها و پخش پارازیت بر روی رادیو و تلویزیون و سرویس های اینترنتی را محکوم کرد؛ و از کمیسیون و شورا خواست از صادرات تکنولوژی اطلاعاتی به کشورهایی همچون ایران که آزادی بیان را رعایت نمی کنند، جلوگیری کند (European Parliament Res-olution' 10 February 2010).

این نهاد اروپایی در ۱۰ مارس ۲۰۱۱ در بیانیه ای نسبت به تبعیض و فشار سیاسی و اجتماعی در ایران، به ویژه علیه زنان ابراز نگرانی کرد؛ و از ایران خواست به تمام اشکال تبعیض در آن کشور پایان دهد (European Parliament Resolution; 10 March 2011).

تلاش ها در قالب سازمان ملل متحد

با طرح مجدد موضوع حقوق بشر جمهوری اسلامی ایران در مجمع عمومی در سال ۲۰۰۳، روند جدید صدور قطعنامه، که در سال ۲۰۰۲ متوقف شده بود، بار دیگر آغاز شد و تا سال ۲۰۱۱ ادامه داشت؛ دو تحول مهم در سیر قطعنامه های مجمع عمومی در این بازه زمانی دیده می شود؛ در سال ۲۰۰۸، مجمع عمومی طی قطعنامه ۶۳/۱۹۱ در تاریخ ۱۸ دسامبر ۲۰۰۸، از دبیرکل سازمان ملل متحد درخواست می کند تا گزارشی در باره وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران، شامل چگونگی همکاری این کشور با مکانیسم های بین المللی حقوق بشر به اجلاس ۶۴ این مجمع در سال ۲۰۰۹ ارائه دهد. همچنین در اجلاس ۶۵ مجمع عمومی در سال ۲۰۱۰، طی قطعنامه ۶۵/۲۲۶ مجمع از دبیرکل درخواست کرد تا یک گزارش مقدماتی به اجلاس شانزدهم شورای حقوق بشر ارائه دهد. این مسئله سبب شد تا موضوع حقوق بشر جمهوری اسلامی ایران در دستور کار شورای حقوق بشر قرار گیرد.

انتخابات ۱۳۸۸ که موجب به قدرت رسیدن مجدد احمدی نژاد شد اعتراضاتی را در پی داشت و برخورد حاکمیت با این اعتراضات بارها مورد اعتراض اتحادیه اروپا قرار گرفت. اتحادیه اروپا بارها دولت ایران را به نقض گسترده حقوق بشر و خشونت علیه معترضین متهم نمودند. حمله ها علیه وضعیت حقوق بشر در دور دوم ریاست جمهوری آقای احمدی نژاد موجب شد که در نشست فروردین ماه سال ۱۳۹۰، اعضای شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد قطعنامه ای را به تصویب رساندند که برای نظارت دقیق و مستمر بر وضعیت حقوق بشر ایران گزارشگر ویژه ای را برگزیدند. اروپا نقش فعالی در این تصمیم داشت؛ به همین منظور در خردادماه سال ۱۳۹۰ احمد شهید به عنوان گزارشگر ویژه در امور ایران انتخاب شد. سخنگوی وزارت امور

خارج کشورمان در واکنش به انتخاب گزارشگر ویژه حقوق بشر و اعزام احمد شهید به کشورمان با تأکید بر اینکه مسئله حقوق بشر بازیکه سیاسی برخی از کشورهای غربی شده است که خود به اتهامات فراوانی در زیر پا گذاشتن حقوق بشر متهم هستند گفت: اعزام گزارشگر حقوق بشر به ایران اقدامی غیرمنطقی و حرکت سیاسی می‌باشد و جمهوری اسلامی ایران مانع از ورود گزارشگر حقوق بشر به کشورمان خواهد شد (خبرگزاری تریبون، ۱۳۸۸).

احمد شهید در کلیه گزارشات خود تصویر منفی از ایران نشان داده است. وی نخستین گزارش خود را در سپتامبر سال ۲۰۱۱ به کمیته سوم ارائه داد. بخش عمده نخستین گزارش وی را وضعیت حقوق بشری ایران با نزدیک به ۶۰ پاراگراف و بند تشکیل داده بود. گزارش نخست وی نوعی گردآوری از موارد ادعایی خصوصاً تحولات پس از انتخابات ۱۳۸۸ محسوب می‌شد؛ بر همین اساس ۶ موضوع کلی، یعنی رفتار با فعالان جامعه مدنی، بحث آزادی اجتماعات، حقوق زنان، وضعیت اقلیت‌های قومی و مذهبی، موضوع مجازات اعدام و در نهایت بازداشت به دلیل ارتباط با نهادهای خارجی در گزارش وی مورد اشاره قرار گرفت. وی در متن گزارش نخست چهار اصل تعیین کننده، شیوه فعالیت خود را به شرح ذیل عنوان نموده بود:

- تلاش خواهد کرد نسبت به هر ادعایی گوش شنوا داشته باشد؛
- توجه بسیاری به همکاری با مدافعان حقوق بشر ایران و جامعه مدنی خواهد نمود؛
- گفت و گوی غیرسیاسی، ترویجی و آگاه‌سازی عمومی و شناخت از وضعیت حقوق بشر در ایران را از طریق ایجاد ارتباط با جامعه مدنی و کارشناسان حقوقی و دانشگاهی تشویق خواهد کرد،
- و در نهایت اینکه وی قصد دارد از طریق حضور برجسته در رسانه‌ها نه تنها برای تقویت تلاش‌های مقامات ایرانی برای برآورده ساختن تعهدات بین‌المللی شان، بلکه همچنین برای برجسته کردن شکوائیه‌های آنان که خود را قربانی می‌دانند تلاش کند. دومین گزارش، روز ششم مارس ۲۰۱۳ در سایت کمیساریای عالی حقوق بشر قرار گرفت. احمد شهید به هنگام معرفی این گزارش به شورای حقوق بشر از عدم همکاری دولت ایران با وی در اجرای ماموریتش انتقاد کرد. ادعاهایی در خصوص محاکمات ناعادلانه و بدون طی رویه‌های مناسب قضایی، احکام اعدام، زندان‌های انفرادی، کتک زدن بازداشت شدگان و تهدید آنان به تجاوز، رسیدن آمار اعدام از ۲۰۰ نفر از نیمه سپتامبر ۲۰۱۱ به ۶۰۰ نفر در دسامبر همان سال از جمله دیگر موارد گزارش دوم گزارشگر ویژه بود. متعاقب این گزارش و ارائه شفاهی آن در جلسه حقوق بشر، سوم فروردین ماه سال ۱۳۹۱ شورای حقوق بشر با تصویب قطعنامه ای ماموریت احمد شهید به عنوان گزارشگر ویژه وضعیت حقوق بشر جمهوری اسلامی ایران را برای یک

سال دیگر تمدید نمود؛ که اتحادیه اروپا به آن رای مثبت داد. در تاریخ ۱۹ مهرماه سال ۱۳۹۱ سومین گزارش احمد شهید در رابطه با وضعیت حقوق بشری در ایران منتشر شد، در این گزارش نیز مانند دو گزارش قبلی، فضایی منفی از وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران ترسیم شد. گزارشگر ویژه با اشاره به پاسخگویی مسولان ایرانی به برخی از ادعاهای طرح شده در پیش نویس گزارش خود، تلاش دارد تا علل نقض ادعایی حقوق بشر در ایران را بیش از هر چیز به چهارچوبه های قانونی، قضایی و همچنین رواج فرهنگ بی مجازاتی در خصوص عاملان نقض نسبت دهد. گزارشگر ویژه در این گزارش تلاش کرده بود تا با ارائه آمارهای متعدد از تعداد مصاحبه های خود با مدعیان نقض گرفته تا تعداد نامه های ارسالی بی پاسخ سایر گزارشگران و همچنین آمار موارد اجرای اعدام گزارش سوم خود را مستندتر از دو گزارش قبلی نشان دهد (خبرگزاری آفتاب، ۱۳۹۱).

گزارش چهارم احمد شهید نیز در اسفندماه ۱۳۹۱ منتشر شد که در این گزارش نیز علی رغم ترسیم فضای منفی در زمینه حقوق بشر نسبت به انتخابات ریاست جمهوری آینده (خرداد ۱۳۹۲) نیز ابراز نگرانی نمود و خواستار انتخابات آزاد و دموکراتیک در ایران شد. بنابراین در زمان آقای احمدی نژاد خصوصا در دور دوم ریاست جمهوری ایشان هجمه ها علیه ایران در زمینه حقوق بشر بیشتر شد، به گونه ای که حتی نماینده ویژه برای وضعیت حقوق بشر در ایران در نظر گرفتند. اتحادیه اوپا همواره نقش برجسته ای در انتقاد از ایران داشته است، سعی داشته با برجسته نمودن موارد نقض حقوق بشر در ایران به زعم خود، بر افکار عمومی جهانی تأثیر بگذارد.

نتیجه گیری

اتحادیه اروپا بعد از انقلاب ۵۷ در ایران، همواره دید منفی نسبت به وضعیت حقوق بشر در ایران داشته است. این نگرش منفی را در اسناد رسمی اتحادیه اروپا می توان مشاهده کرد. تمام نهادهای رسمی اتحادیه اروپا همواره با صدور بیانیه ها و قطعنامه های مختلف ایران را به نقض حقوق بشر متهم نموده اند. همچنین اتحادیه اروپا همواره یکی از بانیان یا هم بانیان بیانیه ها و قطع نامه های سازمان ملل متحد علیه ایران بوده است؛ در دوره آقایان احمدی نژاد و خاتمی نیز این روند با نوسان در جریان بوده است؛ در دوره آقای خاتمی هرچند تلاش هایی برای بهبود نگرش اتحادیه اروپا صورت گرفت، اما چندان مؤثر واقع نشد و اتحادیه اروپا همواره یکی از منتقدین وضعیت حقوق بشر در ایران بوده است؛ در دوران آقای احمدی نژاد نیز اروپا به انتقادات خود علیه وضعیت حقوق بشر در ایران ادامه داد؛ در دور دوم ریاست جمهوری آقای احمدی نژاد این انتقادات شدت بیشتری گرفت؛ به طوری که حتی نماینده ویژه (احمد شهید) برای وضعیت حقوق بشر در ایران در نظر گرفته شد. بنابراین حقوق بشر یکی از چالش های

روابط ایران و اتحادیه اروپا در هر دو دوره در نظر گرفته می‌شود، که مانع تسری روابط به سایر حوزه‌ها نیز می‌گردد.

منابع و ماخذ

- بزرگمهری، مجید و علی عزیزی (۱۳۹۲). "چالش حقوق بشر در روابط اتحادیه اروپایی با جمهوری اسلامی ایران از نگاه اسناد اتحادیه اروپا"، فصل نامه پژوهش‌های روابط بین الملل، شماره ۷.
- بوئر، جوانا (۱۳۸۷). "چالش‌هایی برای حقوق بشر بین المللی"، تکوین حقوق بشر در عصر جهانی شدن، ترجمه مهدی ذاکریان، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- بهیارمقدم، سید رازق (۱۳۸۶). "سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال صلح خاورمیانه"، مجله ره‌آورد سیاسی، شماره ۱۷.
- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۸۲). "روابط ایران و اتحادیه اروپا پس از ۱۱ سپتامبر"، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۹۸.
- جکسون، رابرت و گئورگ سورنسون (۱۳۹۰)، درآمدی بر روابط بین الملل، ترجمه مهدی زاکریان و دیگران، تهران: نشر میزان
- حسینی متین، سیدمهدی (۱۳۸۷). "زویکرد و پایه‌های نظری و عملی سیاست خارجی انگلیس نسبت به جمهوری اسلامی ایران"، فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۸۶.
- خاتمی، محمود (۱۳۷۹). پدیدارشناسی دین، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه معاصر
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۸۴). "الزامات فراروی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در پرتو سند چشم‌انداز بیست‌ساله"، اندیشه انقلاب اسلامی، شماره ۱۳ و ۱۴.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۶). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات سمت.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۰). "فناوری‌های قدرت در جنگ نرم، فصلنامه مطالعات راهبردی"، سال چهاردهم، شماره اول.
- رضایی، روح‌الله (۱۳۸۱). "درک سیاست خارجی ایران"، فصلنامه روابط خارجی، سال اول، شماره ۱.
- سریع‌القلم، محمود (۱۳۸۱). "پارادوکس‌های کشورهای ما، راهبرد"، شماره ۲۳.
- سریع‌القلم، محمود (۱۳۸۴). چالش‌ها و راه حل، تهران: مرکز تحقیقات استراتژی

- سلیمی، حسین (۱۳۸۶). نظریه های گوناگون درباره جهانی شدن، تهران: سمت.
- سیف زاده، سیدحسین (۱۳۸۴). مبانی و مدل های تصمیم گیری در سیاست خارجی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی
- شریفیان، جمشید (۱۳۸۰). راهبرد جمهوری اسلامی ایران در زمینه حقوق بشر در سازمان ملل متحد، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- شفيعی، نوذر و فاطمه رضایی (۱۳۸۹). "نقد و ارزیابی نظریه سازه انگاری"، فصلنامه علمی و تخصصی پژوهش های علوم سیاسی، سال اول، شماره ۴.
- شیخ حسینی، مختار (۱۳۹۱). «بررسی انقلاب اسلامی ایران بر اساس رابطه ساختار- کارگزار در تئوری های روابط بین الملل»، فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال نهم، شماره ۲۹.
- شیرغلامی، خلیل (۱۳۸۶). "اتحادیه اروپایی و سیاست خارجی هنجاری"، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و یکم، شماره ۴.
- عباسی، مجید (۱۳۹۲). "نقض حقوق بشر در واگرایی سیاسی جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا"، فصل نامه پژوهش های راهبردی سیاست، شماره ۵.
- عبدخدایی، مجتبی (۱۳۸۹). "مساله حقوق بشر در روابط ایران و اتحادیه اروپایی"، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و چهارم، شماره ۲.
- غانبی، محمدرضا (۱۳۹۱) "اتحادیه اروپا و موضوع حقوق بشر در کشورهای جهان سوم: رهیافت گفتگوهای حقوق بشری"، فصلنامه حقوق بشر، شماره شش.
- فرخی، مرتضی (۱۳۸۸). «چارچوبی تحلیلی برای مفهوم امنیت از منظر سازه- انگاری»، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال دوم، شماره ۶.
- لینکلتر، آندره (۱۳۸۵). "نظریه هنجارگرا و روابط بین الملل، در فهم مفاهیم اساسی روابط بین الملل"، ترجمه: لیلا سازگار، تهران: مرکز سیاسی و بین المللی.
- متقی ابراهیم و حجت کاظمی (۱۳۸۶). "سازه انگاری، هویت، زبان و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران"، فصلنامه سیاست، دوره ۳۷، شماره ۴.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۸۶). "حقوق بشر در مسیحیت غربی و اسلام"، مجله اسلام و غرب، شماره ۴.
- مردیها، مرتضی (۱۳۸۷). "جنس فلسفی حقوق بشر، فصلنامه حقوق"، دوره ۳۸، شماره ۴.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۳). "سازه انگاری به عنوان فراتر نظریه روابط بین الملل"، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۵.
- مشیرزاده، حمیرا، (۱۳۸۸). تحول در نظریه های بین المللی، چاپ اول، تهران: سمت.

- مصفا، نسرين (۱۳۸۷). «جایگاه حقوق بشر در نظریه های روابط بین الملل»، فصلنامه سیاست، شماره ۴.
- موسویان، حسین (۱۳۸۵). «چالش روابط ایران و غرب: بررسی روابط ایران و آلمان (از وحدت آلمان تا بحران میکونوس)»، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- مهرپور، حسین (۱۳۸۱). «اجلاس کمیسیون حقوق بشر و رد قطعنامه علیه ایران»، مجله راهبرد، شماره ۲۳.

سایت های اینترنتی

- WWW.Consilium.europa.eu
- WWW.europa.eu/rapid/Press Releases Action.
- WWW.Europal.Europa.eu.
- WWW.eeas.europa.eu.
- WWW.Siasi.porseman.ir/content1.
- WWW.treibern.ir/archives/200569.